

روش مدل‌یابی مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی از متون اسلامی (قرآن و حدیث)

مسعود نورعلیزاده میانجی

دانش آموخته سطح عالی حوزه و دکتری روان‌شناسی،
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله علیه). قم. ایران.

Mnoor57@Gmail.com

چکیده

برای دستیابی به پیشرفت علمی در علوم انسانی اسلامی، از جمله روان‌شناسی اسلامی، نیاز به بنیان‌نهادن و توسعه روش‌های پژوهش در این حوزه است. با طراحی روش‌های ساخت‌یافته و نظام‌مند، با اتکا به شیوه‌های اجتهادی و فهم متون اسلامی و حاکم کردن نگرش سیستمی و ساختاری می‌توان در تحلیل مسائل پیچیده انسانی و کشف واقعیت‌های روان‌شناختی بسیار مؤثر عمل کرد و زمینه نظریه‌پردازی را با توجه به منابع و حیانی اسلامی فراهم کرد. این امر نیازمند گام برداشتن در حوزه پژوهش‌های پیشرفته مدل‌یابی و تبیین سازوکار روابط میان سازه‌ها در یک شبکه منسجم سازواره‌ای است.

برای انجام این پژوهش که از نوع «بنیادی» و «توسعه‌ای» است و به لحاظ راهبردی از نوع «توصیفی-تحلیلی» است، به مقتضای هر مرحله از گردآوری و پردازش اطلاعات از «روش اسنادی» و «روش تحلیل محتوای کیفی» بهره‌گرفته شد. برای رسیدن به اهداف این پژوهش، با بهره‌مندی از روش‌ها و تکنیک‌های برون‌دینی (مانند روش‌های معناشناختی و چندمتغیری)، کوشیدیم مبتنی بر مبانی روش‌شناختی پارادایمی و براساس پارادایم اجتهادی و بهره‌مندی از روش‌های

درون‌دینی و با به‌کارگیری تمام ظرفیت‌های روش‌های اجتهادی، اعم از اصول فقه و استنباط و روش‌های فهم متن (تفسیری و حدیثی)، برای فهم گزاره‌های اسلامی به طراحی روش مدل‌یابی مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی از آن‌ها بپردازیم. در نتیجه این پژوهش، به «روش مدل‌یابی اسلامی-روان‌شناختی» که دارای فرایند نظام‌مند متشکل از مراحل چهارگانه مفهوم‌پردازی، صورت‌بندی، اعتبارسنجی و تبیین و تفسیر مدل است دست یافتیم که خود در بردارنده شش گام مسئله‌شناسی و فرضیه‌پردازی، فهم‌پژوهی و استخراج مفاهیم از متون اسلامی، بسط مفهومی مدل، طراحی و ساخت مدل مفهومی، اعتباریابی و تبیین و تفسیر نتایج مدل‌یابی است. اجرای موفق این روش در یک نمونه و در عالی‌ترین سطح مدل‌یابی پیچیده، یعنی از نوع «مدل میانجی تعدیل‌شده»، نشانگر کارایی آن بود. از دستاوردهای دیگر این پژوهش تنقیح و بهبود «روش فهم روان‌شناختی متون اسلامی» و کاربست متناسب نرم‌افزار تحلیل کیفی اطلس‌تی (ATLAS.ti) در افزایش دقت و قوت روش کنونی است. در نتیجه، این روش می‌تواند بر نظام‌مندی، قابلیت داوری و اعتبار پژوهش‌های علوم انسانی از متون اسلامی بیفزاید.

کلیدواژه‌ها: روش، مدل‌یابی، متون اسلامی، قرآن و حدیث، سازه روان‌شناختی، فهم متن، پارادایم اجتهادی.

مقدمه

روش‌شناسی^۱ و بهره‌مندی از روش‌های^۲ پژوهشی نظام‌مند از مهم‌ترین بنیادهای علمی است. اساساً خمیرمایه تولید علم، به معنای واقعی آن، در بستر روش‌شناسی به‌عمل می‌آید و دانش با استفاده از روش‌های کارآمد به‌ثمر می‌رسد (ایمان، ۱۳۹۲: ص ۳۵؛ ساروخانی، ۱۳۸۹، ج ۱: ص ۲۲). کاستی در روش‌شناسی و روزآمد و نظام‌مند نبودن روش‌های برخی پژوهش‌ها، از جمله موانع مهم در تولید علم این‌گونه پژوهش‌هاست. تا ما از روش‌های بنیادی، کارآمد و متناسب با مسائل علوم انسانی، به‌ویژه در حوزه روان‌شناسی اسلامی بهره‌مند نباشیم، در تولید علم نیز پیشرفت و توسعه مطلوبی در انتظار ما نخواهد بود (اعرافی، ۱۳۸۵: ص ۴). مشکل ما در این خصوص این است که روش‌شناسی روزآمد و روش‌های کارآمد مبتنی بر آن نداریم. ریشه این مشکل هم به کل

1. methodology
2. methods

علوم انسانی و هم به علوم انسانی اسلامی به‌طور خاص برمی‌گردد. نقش اساسی روش‌شناسی در علوم اسلامی تا آنجاست که برخی از اندیشمندان از قبیل عبدالرحمن رجب (۱۹۹۶) معتقدند، اسلامی کردن علوم در درجه اول مسئله‌ای روش‌شناختی است و تمام ابعاد دیگر یا گام‌های بعدی، در گرو پیشرفت در روش است (عانی، ۱۳۸۵: ص ۴۳).

از این رو، برای دستیابی به پیشرفت علمی در روان‌شناسی اسلامی نیاز به بنیان‌نهادن و توسعه روش‌های پژوهش در این حوزه است. هرچند در میان صاحب‌نظران این عرصه، در چند و چون روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی، از جمله روان‌شناسی اسلامی و چگونگی روش پژوهش در آن‌ها، از نظر درون‌دینی و اجتهادی بودن یا تجربی یا تلفیقی بودن و از این قبیل موارد، هنوز چالش‌هایی وجود دارد (خسروپناه، ۱۳۹۴؛ بستان، ۱۳۹۰)؛ امروزه روش‌های اجتهادی و مبتنی بر متون دینی (تفسیری و فقه‌الحدیثی) و بهینه‌سازی آن برای علوم انسانی مقبولیت بیشتری دارد.

اگر بخواهیم در حوزه علوم دینی و به‌ویژه علوم انسانی اسلامی با جهان‌بینی و مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی آن کار کنیم، باید روش‌شناسی خاصی داشته باشیم. باید پرسیم جهان‌بینی ما اقتضای چه روش یا روش‌هایی را دارد؟ به عبارت دقیق‌تر، براساس مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی ما، متون اسلامی (قرآن و حدیث) از چه ظرفیت‌هایی برای فهم علمی برخوردارند و چگونه و از طریق چه روش‌هایی می‌توان به آن دست یافت؟ از آنجاکه متون وحیانی بیانی واقع‌گرا و مبتنی بر بنیان‌های علمی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ص ۵۹۹) و حاکی از حقیقت‌های انسانی‌اند، می‌توان قواعد روان‌شناختی را از طریق کاربست روش‌های روزآمد و سیستماتیک، از دل آن‌ها استخراج کرد و در کشف حلقه‌های مفقود و تبیین کامل‌تری از سازوکارهای روان‌شناختی موفق عمل کرد (بابایی و دیگران، ۱۳۸۸: ص ۲۷۱ و ص ۳۷۲).

نبود یک روش مدون با فرایندها و مراحل تکنیکی و کاربردی برای پژوهش‌های اسلامی مبتنی بر روش‌شناسی‌های علوم انسانی اسلامی، مشکل را دوچندان کرده است. هرچند قدم‌هایی در این خصوص برداشته شده است، هنوز تا وضعیت مطلوب فاصله‌های زیادی وجود دارد. اعرافی (۱۳۷۹: ص ۲۲) برای کشف گزاره‌ها از متون دینی دو رویکرد اصلی را معرفی می‌کند. در رویکرد اول، براساس اصول و قواعد معتبر و شیوه‌های متنوع تفسیر متن و فارغ از مطالعه پیشین هر نظریه و فرضیه‌ای، به بررسی متن پرداخته می‌شود و مدلول و محتوای آن به دست آورده می‌شود؛ در رویکرد دیگر، مفاهیم و نظریه‌های مطرح در حوزه‌های گوناگون بشری بر متن دینی عرضه و تلاش می‌شود تا موضع متن دینی در آن زمینه استخراج شود. سابقه این رویکرد در روش قرآن‌شناختی شهید صدر قابل پیگیری است. وی حوزه‌ای را در تفسیر موضوعی به عرضه موضوعات به قرآن و

دریافت پاسخ‌ها اختصاص می‌دهد. در این حوزه به سخن درآوردن پرسش برآمده از اندیشه‌ها، تجارب و کاوش‌های بشری به قصد دستیابی به پاسخ قرآن یا همان «روش استنطاقی» را با استناد به حدیث «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸: ص ۲۲۳؛ ر.ک.: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ص ۶۱) معرفی می‌کند (صدر، ۱۴۰۰ق: ص ۶۵؛ رضوی، ۱۳۷۶: ص ۲۳۲). پسندیده (۱۳۸۶ و ۱۳۹۶) در ارائه روش فهم معارف روان‌شناختی از احادیث، اقدام‌های شایسته‌ای انجام داده و در تدوین فنونی برای استخراج قوانین روان‌شناختی از تک‌گزاره‌های دینی کوشیده است؛ بنابراین، برای دستیابی به روش ساخت‌یافته و نظام‌مند فهم سازه‌ها و مفاهیم از متون دینی (قرآن و حدیث)، مبتنی بر بنیان‌های روش‌شناختی، هنوز هم راه بسیار مانده است. همچنین، در گامی فراتر، برای رسیدن به تحلیل و تبیین کامل‌تر از نظام میان مفاهیم و روابط چندگانه بین آن‌ها و تبیین همه‌جانبه مسائل روان‌شناختی، نیاز اساسی به استفاده از ظرفیت‌های روش‌های اجتهادی، تفهیمی، معناشناختی و علمی و گام برداشتن در روش‌های پیچیده مدلیابی نظری مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی، تحلیل و تفسیر علی و تبیین کیفی سازوکارهای روان‌شناختی میان آن‌هاست.

امروزه در پژوهش‌های روان‌شناختی به جای پرداختن به یک سازه و متغیر و بررسی رابطه ساده آن با سازه‌ها و متغیرهای دیگر، به پژوهش‌های چندگانه و چندمتغیری و روابط پیچیده بین آن‌ها توجه می‌شود. اساساً رفتار امری پیچیده و چندعاملی (تحت تأثیر عوامل چندگانه) است و پیش‌بینی آن به وسیله سازه‌ها و متغیرهای بیشتر، بهتر از متغیرهای کمتر امکان‌پذیر است (میرز و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۳۱)؛ چراکه گاه عوامل گوناگونی به عنوان علت‌های اصلی و میانی، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، دست‌به‌دست هم می‌دهند تا یک رفتار را شکل دهند. پرداختن به تبیین روابط پیچیده میان سازه‌ها و متغیرها، عوامل زیربنایی و سازوکارهای ساختاری به پویایی تحلیل‌های روان‌شناختی می‌انجامد و این کار مستلزم دستیابی به «روش مدلیابی^۱ مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی» است تا فهم ما از روابط پیچیده (و در صورت امکان علی) میان سازه‌ها و همچنین عوامل زیربنایی و نحوه ارتباط و تأثیر و تأثر میان پدیده‌ها توسعه یابد. از نظر ناچمیاس^۲ (۱۹۹۲) «مدل» انتزاعی از واقعیت است که به منظور ساده‌سازی و نظم‌دادن دیدگاه ما از واقعیت به کار می‌رود. منظور از مدلیابی، استخراج و ارائه ترکیبی منطقی از مشخصه‌های پدیده‌ها شامل مؤلفه‌ها و روابط بین آن‌ها در میان شبکه‌ای از مفاهیم است که در آن نظام میان سازه‌ها، به صورت یک سازواره و مجموعه ساختارمند مشخص می‌شود (هومن، ۱۳۹۰: ص ۶۷).

1. modeling
2. Nachmias

در گستره مطالعات روان‌شناسی اسلامی نیز اگر تاکنون بحث از اثر ساده روان‌شناختی عوامل مذهبی چون «نقش ذکر و یاد خدا در آرامش و سلامت روانی» می‌شد، امروزه دامنه آن به بحث‌های پیچیده روان‌شناختی و تحلیل سازوکار و نحوه اثر این‌گونه عوامل با تحلیل‌های عمیق سازه‌های روانی-معنوی میان آن‌ها کشیده شده است. برای مثال این پرسش مطرح است که چه فرایند روان‌شناختی (و از طریق کدام سازه‌های روانی) طی می‌شود تا ذکر و یاد خدا (ألا بذكر الله) در سلامت روانی تأثیر بگذارد و آرامش روانی (تطمئن القلوب) را به ارمغان بیاورد؟ حال سؤال این است که انجام چنین پژوهش‌هایی چگونه و با چه راهبرد و روشی امکان‌پذیر است؟

دستیابی به این هدف نیازمند حاکم‌شدن تفکر سیستمی و منطق روش‌شناختی مدل‌یابی‌ها، از جمله تحلیل ساختاری و تحلیل مسیر بر این‌گونه پژوهش‌هاست. هرچند ماهیت اصلی این روش‌ها کمی است، رویکردی قیاسی و تأییدی دارند و مبتنی بر پایه‌های نظری‌اند و معمولاً پس از مفهوم‌پردازی‌ها و تحلیل‌های مفهومی، که ماهیتی نظری و کیفی دارند، انجام می‌پذیرند. درحقیقت کارایی و کارآمدی این‌گونه روش‌ها مبتنی بر درستی و دقت در تحلیل‌های مفهومی برآمده از پایه‌ها و مبانی نظری آن‌هاست؛ به عبارت دیگر، این مدل مفهومی یا نظری برآمده از تئوری است که تعیین‌کننده یک مدل تجربی است. اساساً مهم‌ترین و حساس‌ترین مرحله از مدل‌یابی، تدوین مدل بر مبنای نظریه است (هومن، ۱۳۹۱: ص ۲؛ شوماخر و لومکس، ۱۳۸۸: ص ۲). اگر مدل نظری پایه درستی نداشته باشد، نتایج آزمون‌های آماری مدل که از داده‌های نرم‌افزارهای تحلیلی چون لیزرل به دست می‌آید، ارزشی نخواهند داشت. به هر حال، رهیافت مبتنی بر تئوری در مدل‌یابی یک ضرورت است. منظور از تئوری، مجموعه منظمی از روابط متغیرهاست که تبیین سازگار و جامعی از یک پدیده به دست می‌دهد. اگر تئوری از این روابط و ابعاد مدل پشتیبانی نکند، مدل‌یابی منطق درستی نخواهد داشت (میرز و همکاران، ۱۳۹۱: صص ۶۴۰-۶۳۷). اما مشکل این است که از یک سو، خود این روش‌های مدل‌یابی علی، به‌ویژه از نوع مدل کامل آن (معادلات ساختاری SEM) هنوز جوان و در حال رشد است (هاول، ۲۰۱۲: ص ۳) و از سوی دیگر، چنین روش نظام‌مندی برای تدوین مدل‌های نظری و مفهومی، به‌ویژه متناسب با داده‌های دینی در دست نیست. بنابراین، اگر به دنبال مدل‌یابی هستیم، ابتدا باید منطق نظری مدل به روشنی مشخص شود. به‌ویژه اگر بخواهیم رویکردی اسلامی به پژوهش‌های روان‌شناختی داشته باشیم، باید بتوانیم این مهم را از دل متون اسلامی (قرآن و حدیث) استخراج کنیم. بدین منظور باید با رویکردی اکتشافی

از روش نظام‌مند و معتبری بهره‌مند شویم. حال در امکان بهره‌گیری از روش‌های تفهیمی و اجتهادی در مدل‌یابی، به اعتقاد علی‌دوست (۱۳۹۲) هرچند با این رویه‌های فقهی رایج مشکل است، با ایجاد تغییر و تحولاتی در روش اجتهاد و با توجه به ظرفیت‌های نهفته در اصول فقه (به‌مثابه اصول فهم و اندیشه دینی و اصول صحیح دریافت از متون) و علوم پیرافقه مثل علوم حدیث، اشتقاق، ترکیب، درایه، تفسیر و معانی و بیان می‌توان مدل و ساختار سیستمی ارائه داد. با توجه به این امر، نیاز امروز جامعه علمی ما طراحی یک روش ساخت‌یافته اسلامی است که بتواند با بهره‌مندی متناسب از روش‌های درون‌دینی و برون‌دینی و با شالوده روش‌های اجتهادی و تفهیمی که در آن دلالت‌های متن یا روابط معناشناختی (سمانتیکی) و قوانین مقبول هرمنوتیکی و تفسیری مدنظر است و با روش‌های سیستمی، سازواره‌ای و ساختاری، شیوه‌ای نظام‌مند جهت تحلیل و تبیین روابط علی میان سازه‌های روان‌شناختی از متون قرآنی و حدیثی و دستیابی به مدل حاکم بر رفتار و پدیده‌های پیچیده انسانی ارائه کند.

از این رو، جهت استخراج و تبیین قواعد روان‌شناختی در حوزه روان‌شناسی اسلامی، باید روش‌های مناسب، دقیق، نظام‌مند و روزآمدی را برای پردازش مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی از متون قرآنی و حدیثی در اختیار داشت تا بتوان از این رهگذر به تحلیل عوامل، مؤلفه‌ها و سازواره‌ها، تبیین سازوکارهای ساختاری در روابط علی میان سازه‌ها و در نتیجه، اجتهاد و استخراج مناسب‌ترین مدل حاکم بر آن‌ها دست یافت. این هدف با روش‌شناسی و طراحی روشی یکپارچه و نظام‌مند در فهم روان‌شناختی و مدل‌یابی از متون اسلامی تحقق می‌یابد که این پژوهش درصدد دستیابی به این هدف است.

روش

این پژوهش اساساً از نوع «بنیادی» و «توسعه‌ای» است که در طراحی و ارائه یک روش جدید از آن بهره گرفته می‌شود (ملانی‌توانی، ۱۳۹۰: ص ۸۵)؛ به گونه‌ای که با ارائه تکنیک‌های عملیاتی بتوان به شکل کاربردی نیز از آن‌ها استفاده کرد. ماهیت این پژوهش «کیفی» و به لحاظ راهبردی از نوع «توصیفی-تحلیلی» است. بدین منظور به مقتضای هر مرحله از تحقیق، از گردآوری اطلاعات گرفته تا تجزیه و تحلیل و پردازش آن‌ها، از روش‌های متناسب، یعنی به‌طور عمده از «روش اسنادی»^۱ و «روش تحلیل محتوای کیفی»^۲ بهره گرفته می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۹، ج ۱:

1. documentary method
2. qualitative content analysis method

ص ۲۵۴؛ کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۹: صص ۱۹۶ و ۲۲۲؛ مارشال و روسمن، ۲۰۰۶^۱: ص ۱۰۸؛ رفیع‌پور، ۱۳۹۰: ص ۱۱۹).

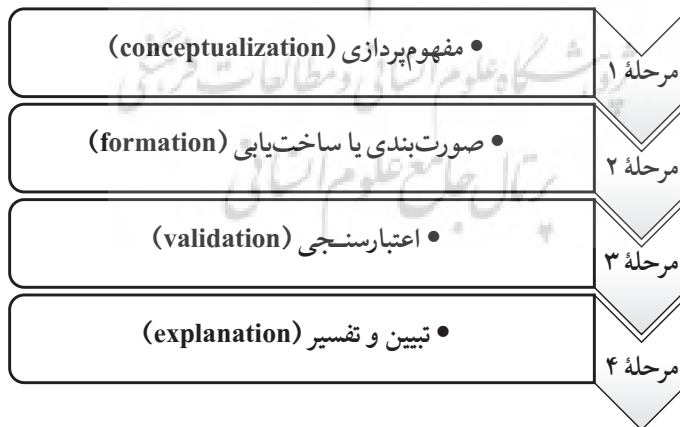
برای گردآوری اطلاعات به «روش اسنادی»، اسناد و متون نوشتاری مرتبط با بخش‌های گوناگون پژوهش بررسی و داده‌ها و اطلاعات لازم از میان آن‌ها گردآوری می‌شود. اسناد و مدارک نوشتاری مکتوب و دیجیتالی موجود در منابع اصیل روش‌شناختی درون‌دینی و برون‌دینی، جامعه‌اسنادی این پژوهش را تشکیل می‌دهند. نمونه‌ها یا واحدهای پژوهشی (اسناد متنی) از میان جامعه‌اسنادی انتخاب می‌شوند (موزر و کالتون، ۲۰۱۶^۲: صص ۲۴۲ و ۲۴۳؛ ساعی، ۱۳۸۷: ص ۱۳۶). گزینش منابع و اسناد با روش نمونه‌گیری هدف‌دار گلوله‌برفی یا زنجیره‌ای انجام می‌شود. بدین صورت که با مراجعه به منابع و اساتید و پژوهشگران عرصه‌ روش‌شناختی در گرایش‌های مختلف درون‌دینی و برون‌دینی، هم‌دامنه‌ اسناد و منابع اصیل و متناسب با اهداف پژوهشی گسترش می‌یابد و هم میزان کیفی منابع و اسناد سنجیده و بیش از پیش روشن می‌شود. این روش تا مرحله کامل شدن، یعنی تا مرحله اطمینان نسبی از نبود منابع بهتر و مناسب‌تر ادامه می‌یابد. حال، هم‌زمان با سنجش میزان اصالت، واقعی و دست اول بودن اسناد، دقت و صحت اطلاعات، همخوانی و انطباق با مسئله و نظام‌مندی و روزآمدی (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۹: ص ۱۹۷؛ ساروخانی، ۱۳۸۹، ج ۲: ص ۲۳۲)، داده‌های اسنادی از طریق یادداشت‌برداری و فیش‌نگاری دیجیتالی گردآوری می‌شوند. درنهایت، با تشکیل پرونده علمی اطلاعات به‌دست‌آمده به‌گونه‌ای سامان داده می‌شود که از منطق خاصی پیروی کند تا بتوان به پرسش‌های پژوهشی پاسخ داد (سرمد و دیگران، ۱۳۹۱: ص ۱۳۳). برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از برخی تکنیک‌های موجود در تحلیل محتوای کیفی، تحلیل مضمون^۳ و تفسیر متون^۴ استفاده می‌شود. بدین منظور، ابتدا اطلاعات استخراج‌شده از اسناد براساس واحدهای تحلیل، مورد متن‌کاوی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و سپس تأمل و تفهیم در مضمون متن‌ها، استنتاج‌ها، استنباط‌ها و تفسیرهای لازم به‌گونه منطقی و به‌صورت مستند و مستدل انجام می‌پذیرد (ر.ک.: رفیع‌پور، ۱۳۹۰: ص ۲۰؛ ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: صص ۴۴-۱۵؛ ابوالمعالی‌الحسینی، ۱۳۹۲: صص ۱۰۲-۸۳؛ ساروخانی، ۱۳۸۹، ج ۱: ص ۲۸۰ و ج ۲: صص ۲۹۳ و ۳۱۳).

1. Marshall and Rossman
2. Moser and Kalton
3. thematic analysis
4. textual interpretation

در پژوهش‌های کیفی، به‌طور معمول کنش و واکنش دائمی و پیوسته بین گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات وجود دارد که سبب افزایش و درک علمی تدریجی و غنی می‌شود (والیمن،^۱ ۲۰۰۶: ص ۱۲۱). پس از تدوین فرایند و مراحل روش فهم روان‌شناختی از متون اسلامی و مدل‌یابی مفاهیم و سازه‌ها از آن متون، به هنگام آزمون قابلیت عملیاتی بودن این روش در یک نمونه واقعی، برای افزایش دقت و قوت تجزیه و تحلیل‌ها از نرم‌افزار تحلیل کیفی اطلس تی (ATLAS.ti) نیز استفاده می‌شود. بهره‌مندی از این ابزار در بهبودی و توسعه روش و تدوین خلاقانه تکنیک‌های جدید کمک می‌کند.

یافته‌ها

به دنبال دستیابی به روشی در تحلیل و تبیین پدیده‌های پیچیده انسانی و روان‌شناختی - که اساساً ماهیتی چندوجهی یا چندعلیتی و چندعاملی^۲ دارند - از طریق داده‌های وحیانی و منابع اسلامی (قرآن و حدیث)، به «روش مدل‌یابی اسلامی-روان‌شناختی» دست یافتیم. در این روش که اساساً رویکردی کیفی و اکتشافی دارد و به یک مدل مفهومی و تفسیری منتج می‌شود، مدل‌یابی در چهار مرحله و شش گام انجام می‌گیرد. گام‌های شش‌گانه مدل‌یابی با مراحل چهارگانه آن، به‌صورت درهم‌تنیده و پیوسته انجام می‌گیرد. مرحله اول شامل سه گام است و مراحل بعدی تنها یک گام را در خود جای می‌دهند. گام‌های اصلی فهم و بست مدل در مراحل اول و دوم، و اعتباریابی و تبیین مدل در دو مرحله تکمیلی بعدی انجام می‌شود.



نمودار ۱. مراحل روش مدل‌یابی اسلامی-روان‌شناختی

1. Walliman
2. multi factorial

مرحله اول: مفهوم‌پردازی

مفهوم‌پردازی یا مفهوم‌سازی^۱ در سطح استخراج مفاهیم و تحلیل مفهومی^۲ و همچنین، فهم و برداشت مفهومی از نحوه ارتباط مفاهیم و سازه‌ها، به منظور بست مفهومی مدل انجام می‌گیرد. مفهوم‌پردازی بیان مفهومی پدیده‌های موضوع تحقیق است که بیانگر ساختمانی انتزاعی برای شناختن امر واقعی است (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۹: صص ۱۰۳ و ۱۴۴)؛ به بیان دقیق‌تر، مفهوم‌پردازی یعنی یافتن درکی از فرایند شکل‌گیری مفاهیم یا انگاره (اندیشه)ها، به‌ویژه آن‌هایی که از نوع انتزاعی‌اند و همچنین، روشن کردن آن مفاهیم در نظام ارتباطی و بافتاری که با مفاهیم و سازه‌های دیگر دارند که رسیدن به انگاره‌های تبیینی پدیده‌های روان‌شناختی است (واندن‌باس،^۳ ۲۰۱۳: ص ۱۲۹). برای دستیابی به این هدف، ابتدا لازم است مرحله‌ای درخصوص مسئله‌شناسی و فرضیه‌پردازی را سپری کنیم که در آن با بررسی اطلاعات موجود درباره مسئله و یافتن درک روشنی از آن و فرضیه و هدفی که دنبال می‌شود، مشخص کنیم که اساساً به دنبال جستار کدامین تبیین و مدل هستیم. سپس در دو گام دیگر فرایند فهم را با متن پژوهی آغاز کنیم و مفاهیم و سازه‌هایی که بناست نظام روابط علی آن‌ها در یک بسط مفهومی مدل مشخص شوند، تجزیه و تحلیل و استخراج کنیم.

گام اول: مسئله‌شناسی و فرضیه‌پردازی

شناخت و تعریف مسئله از این جهت در هر پژوهشی اساسی و مهم است که کل فعالیت‌های بعدی به این گام بستگی دارد. تشخیص و تعریف نادرست یا نامشخص مسئله می‌تواند مسیر پژوهشی را به انحراف و اشتباه بکشاند، سبب ساده‌انگاری و یا نقص و خطا در تدوین مدل و تبیین آن شود و در نتیجه کمک مؤثری به حل مسئله نکند؛ از این‌رو، پیش از هر چیز باید صورت مسئله و اهداف مدل‌یابی درخصوص آن مسئله کاملاً مشخص شود؛ در واقع، پژوهشگر به‌صورت روشن باید بداند که به دنبال چیست و قلمرو مسئله و مرزهای مدل موردکاوش کدام است.

پژوهشگری که مسئله علمی خود را بر متون اسلامی عرضه می‌کند و می‌خواهد دیدگاه اسلامی را درباره آن استخراج کند، نمی‌تواند بدون هیچ طرح و نقشه قبلی وارد عرصه پژوهش شود. همچنان‌که شهید صدر مطرح می‌کند، پژوهشگر ابتدا درباره موضوع و مسئله موردنظر خود

1. conceptualization
2. conceptual analysis
3. VandenBos

تأمل و تفکر می‌کند و از دیدگاه‌ها و تجارب دیگران و کاوش‌های بشری نیز در این زمینه بهره می‌برد و سپس با این اطلاعاتی که دارد به متن (قرآن و حدیث) رجوع می‌کند و بررسی‌های لازم را انجام می‌دهد تا نظر اسلامی را استخراج کند (صدر، ۱۴۰۰ق: ص ۶۵). البته با این اطلاعات در حد فرضیه برخورد و از پیش داوری‌ها پرهیز می‌شود. یعنی پژوهشگر وقتی وارد عرصه متن می‌شود، این متن (قرآن و حدیث) است که سخن می‌گوید و ذهن تیزفهم فرد تبیین آن را دریافت می‌کند. پس برای شناخت بهتر مسئله و آماده‌سازی پژوهش برای مدلیابی، باید ابعاد و اجزای آن، هر چند به صورت فرضی، واکاوی شود و به درک نسبی از مفاهیم و سازه‌ها و نحوه ارتباط میان آن‌ها دست یافت. بدین منظور لازم است مطالعه‌ای اجمالی و آغازین از اطلاعات موجود در مبانی نظری و پژوهش‌ها انجام شود و نگاهی کلی به متون (آیات و روایات) داشت تا با به دست آوردن چهارچوب ذهنی، هر چند کلی، و یافتن مفاهیم و سازه‌های اصلی به مثابه بازیگران اصلی پژوهش مراحل بعدی را دنبال کرد.

بحث را با یک مثال پیش می‌بریم. پژوهشگر ابتدا گزاره‌ای حدیثی مانند «الْحَقُّدُ مَثَاؤُ الْعُضْبِ»: «کینه برانگیزاننده خشم است» را در نظر می‌گیرد. اولین سؤال او این خواهد بود که اساساً مسئله من چیست؟ کانون محوری مشکل در این پژوهش کدام است و به دنبال حل کدام مشکل و مسئله هستم؟ اگر مسئله این پژوهشگر علل و چگونگی پدیدآیی خشم و پرخاشگری باشد، کانون محوری پژوهش او را مفهوم «غضب» در بر می‌گیرد، نه «حقد و کینه». با ملاحظه حدیث ذکر شده که نقش علی کینه‌توزی در برانگیختن خشم را می‌رساند و با در نظر گرفتن گزاره‌هایی دیگر در حوزه مفهومی مانند «الْحَقُّدُ شِیمَةُ الْحَسَدَةِ»: «کینه‌توزی خصلت حسودان است» از یک سو و دیدگاه‌ها و مطالعات روان‌شناختی در خصوص پرخاشگری افراد حسود و کینه‌توز از سوی دیگر، می‌توان به این فرضیه اولیه رسید که میان این سه مفهوم باید ارتباطی وجود داشته باشد و در این میان حتی یک سازوکار علی بین آن‌ها بدین صورت که «حسادت» سبب «کینه‌توزی» و آن سبب برانگیختن «خشم» می‌شود. حال با این مسئله و فرضیه می‌توان وارد عرصه پژوهش دقیق شد و به صورت توسعه یافته به یک مدل علی مفهومی در برگیرنده عوامل و مؤلفه‌های ساختاری و سازواره‌ای سبب‌ساز خشم و پرخاشگری دست یافت.

گام دوم: فهم پژوهی و استخراج مفاهیم از متون اسلامی

توصیف و تبیین رابطه پدیده‌ها در قالب مفاهیم صورت می‌گیرد که از این طریق پژوهشگر را در پژوهش‌های علمی به استنتاج علی می‌رساند. این مفاهیم و سازه‌ها در پژوهش‌های اسلامی

با مراجعه به متون وحیانی و تحلیل و فهم آن‌ها به دست می‌آید. با فهم پژوهی در قالب فرایند متن پژوهی نظام مند است که می‌توان معانی و محتوای متون را به درستی فهمید و مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی را از آن استخراج کرد. بدین منظور، اقداماتی باید انجام گیرد که عبارت‌اند از:

اقدام اول: تشخیص و تعیین واژگان کلیدی و اصلی

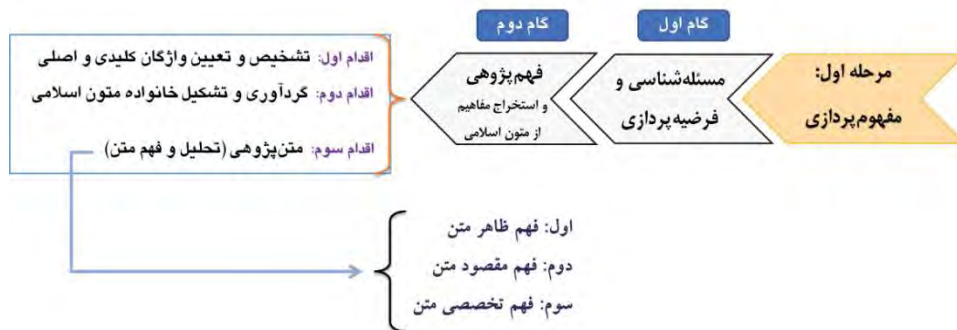
از اقدامات اساسی در ابتدای پژوهش، بررسی و انتخاب بهترین و مناسب‌ترین مفاهیم و واژگان کلیدی و اصلی قرآنی-حدیثی با در نظر داشتن معادل یا اصطلاحات علمی هم‌افق آن‌ها در کاربست‌های روان‌شناختی و سپس مفهوم‌شناسی آن‌هاست. بدین منظور علاوه بر واژه‌شناسی از دیدگاه لغت‌شناسان، صرف‌شناسی و علم اشتقاق و اصطلاح‌شناسی در کاربست‌های اسلامی و روان‌شناختی نیاز بسیار مهمی است.

اقدام دوم: گردآوری و تشکیل خانواده متون اسلامی

گزاره‌های قرآنی و حدیثی مرتبط با مسئله براساس حوزه‌های مفهومی و میدان معنایی گردآوری و سپس به صورت موضوعی، محتوایی و مسئله‌ای طبقه‌بندی و ساماندهی می‌شود.

اقدام سوم: متن پژوهی (تحلیل و فهم متن)

مطالعه و تحقیق علمی در متن قرآن و حدیث اساساً بر متن پژوهی، تدبر و فهم متن استوار است. متن پژوهی در اینجا به منظور فهم پژوهی، به معنای واکاوی و فهمیدن معنا و محتوای متن انجام می‌گیرد. هدف تحلیل متن وحیانی و مفهوم‌شدن سخن و کشف مقصود گوینده آن برای ما و نیز دستیابی به لایه‌های مختلف معنایی متن است. بدین منظور، ابتدا یکایک گزاره‌های (آیات و روایات) گردآوری شده را به صورت جداگانه مورد بررسی مفهومی و معناشناختی قرار می‌دهیم، سپس به صورت مجموعی، خانوادگی و کلان مورد بازشناسی مفهومی و معنایی قرار می‌دهیم و به یک دیدگاه انسجام‌یافته اسلامی دست می‌یابیم. سیر روش‌شناختی و روند فهم متن در سه سطح معنایی و فهم متن (شامل: الف) سطح عمومی: فهم ظاهر معانی متن یا مراد استعمالی؛ ب) سطح میانی: فهم مقصود متن یا مراد جدی؛ و ج) سطح پیشرفته: فهم لایه‌های تخصصی و مفاد روان‌شناختی متن) صورت می‌پذیرد.



نمودار ۲. فرایند روش مدل‌یابی اسلامی روان‌شناختی (از مرحله اول تا اقدام سوم از گام دوم)

وقتی به متون اسلامی نگرش تخصصی و روان‌شناختی داشته باشیم، نگاه ما ژرف و فهم ما افزون و متحول می‌شود؛ چراکه اکنون به زوایایی می‌نگریم که در نگاه ابتدایی و عمومی مشهود نبود. اندیشه‌های آشنا با علم روان‌شناسی و علوم مربوط به فهم متون اسلامی، از یک متن به ظاهر ساده، ده‌ها ویژگی روان‌شناختی را با تحلیلی عمیق و پیچیده بیرون می‌کشند. با نگاه پیشرفته، کل‌نگر و سیستماتیک به مسئله نیز فرایند پژوهش و تحلیل‌ها و تبیین‌ها چهره تحول یافته، چندگانه و پیچیده‌ای به خود می‌گیرد. برای نمونه گزاره‌های حدیثی به ظاهر ساده جدول ۱ را در نظر بگیرید.

جدول ۱. فرایند تحلیل سیستمی و طرح‌نمای درمانی نمونه مثال خشم

ردیف	فرایند تحلیل و تبیین سازوکار خشم	طرح‌نمای فرایند درمان خشم
اول	«الْحَقْدُ مَنَّاؤُ الْعُصَبِ: کینه برانگیزاننده خشم است».	برای مهار هیجان خشم باید به کینه و رفع آن به منزله یکی از عوامل برانگیزاننده آن پردازیم.
دوم	«الْحَقْدُ شِيْمَةُ الْحَسَدَةِ: کینه‌توزی طبیعت و خصلت حسودان است».	با ریشه‌کن کردن حسادت می‌توانیم کینه‌توزی را بزداييم.
سوم	«الْحَسَدُ دَابُّ السُّفْلِ: حسادت، عادت و خوی فرومایگان پست مرتبه است».	برای از بین بردن حسادت باید احساس کهنتری را از بین ببریم و حرمت خود (عزت نفس) را ارتقا بخشيم.

<p>با کاهش احساس کهتری، چون فرد احساس حرمت می‌کند، حسادتش کاهش می‌یابد و چون حسادت کاهش می‌یابد، فرد کینه‌توزی نمی‌کند و در نتیجه خشم او برانگیخته نمی‌شود و مهار می‌شود.</p>	<p>فرومایگی (احساس کهتری و زبونی) سبب حسادت‌ورزی، حسادت سبب کینه‌توزی و کینه سبب برانگیختن خشم می‌شود.</p> <p>کهتری ← حسادت ← کینه ← خشم</p>	<p>نتیجه</p>
---	--	--------------

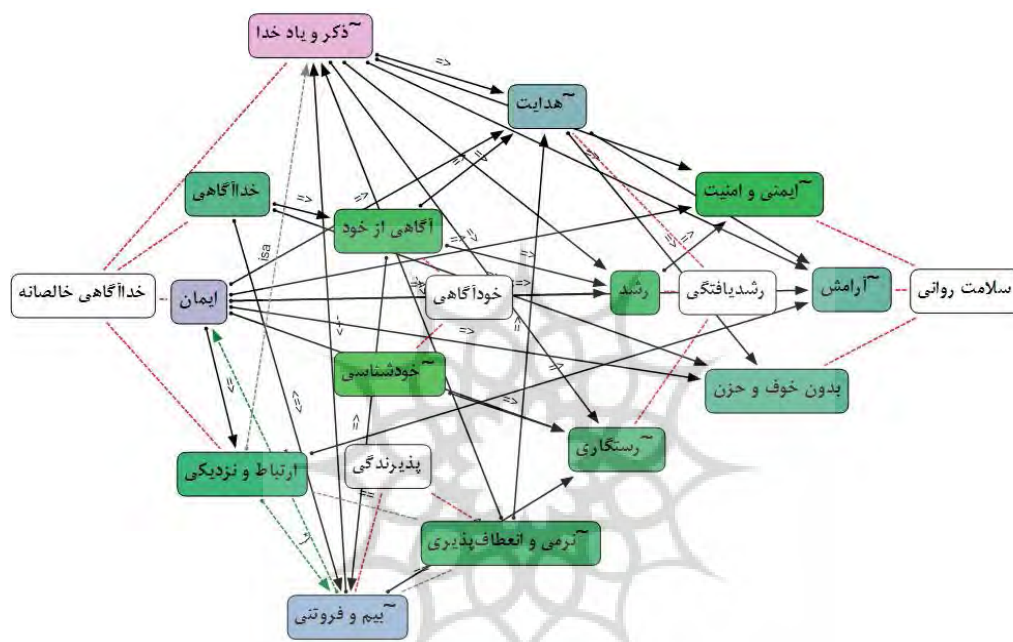
بدین منظور علاوه بر بهره‌مندی از قواعد و فنون علوم زبان‌شناختی و ادبی، علوم بلاغت و معانی، دانش دلالت‌شناسی و معناشناسی، علوم قرآن و تفسیر، علم اصول و استنباط، علم درایه و فقه‌الحدیث در فهم مفردات و ترکیبات باید از روش فهم تخصصی متون اسلامی استفاده کرد و راهبردها و تکنیک‌های متن‌پژوهی و فهم متن، از جمله سیاق‌شناسی و بافت متن، قرینه‌شناسی و فضای سخن و حفظ اصالت فهم و نگاه از درون متن به برون را به کار گرفت.

گام سوم: بسط مفهومی مدل

با مفهوم‌پردازی در این سطح روابط میان مفاهیم و سازه‌ها و تحلیل سیستم سازواره‌ای میان آن‌هاست که می‌توان به درک و فهمی ذهنی از نظام روابط علی میان سازه‌ها دست یافت و در جهت توسعه آن به شکل یک مدل مفهومی روشن گام برداشت؛ از این رو، بسط مفهومی مدل در سطح تحلیل سیستمی^۱ و ساختار سازواره‌ای میان مفاهیم، به منظور یافتن درکی از نظام ارتباطی و تأثیر و تأثری میان پدیده‌های روان‌شناختی مورد بحث در مسئله انجام می‌گیرد. در این گام، نحوه ارتباط تک‌تک مفاهیم و سازه‌های چندگانه مسئله پژوهشی با همدیگر، نقش آن‌ها و چگونگی قرارگرفتنشان در مدل بررسی می‌شود. هدف بررسی و تشخیص نظام ارتباطی مفاهیم و سازه‌ها در مدل‌های احتمالی و رسیدن به مناسب‌ترین مدلی است که در مرحله دوم باید به شکل فنی‌تر فرمول‌بندی و صورت‌بندی شود؛ در واقع، آنچه در این گام برای بسط مفهومی مدل باید انجام داد، عبارت است از:

- تشخیص اجزا و سازه‌های مدل، به تفکیک انواع و نقش آن‌ها؛
- بسط و توسعه گام به گام مدل با استفاده از تکنیک‌های مختلف و گوناگون مانند بسط

- عرضی یا بسط طولی و غیره؛
- یافتن منطق نظام ارتباطی و مشخص کردن منطق جهت‌های علی، با توجه به شواهد و مستندات موجود؛
- برآورد کلی نظام تأثیر و تأثری و روابط احتمالی سازواره‌ای، ساختاری و علی میان سازه‌ها و پیش‌بینی انواع مسیرها و شاخه‌ها.



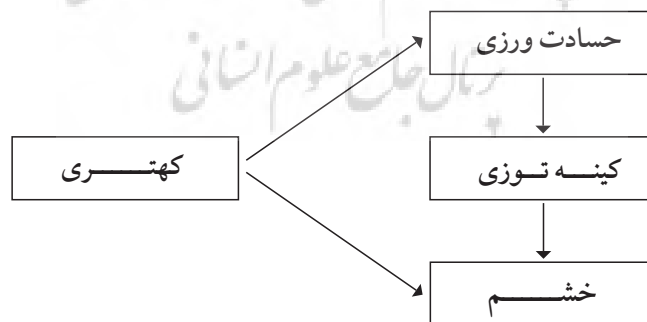
نمودار ۳. نمونه بسط مدل با استفاده از همه سازه‌ها و به همراه برخی از مؤلفه‌های مهم آن‌ها

نمودار ۳ نمونه‌ای از مدل بسط‌یافته است که در این پژوهش در نمونه مثال خدا آگاهی انجام گرفت. «خدا آگاهی خالصانه»، «خود آگاهی»، «رشد یافتگی»، «پذیرندگی» و «سلامت روانی» سازه‌های اصلی و مابقی برخی از مؤلفه‌های هر کدام از آن سازه‌ها هستند. برای به تصویر کشیدن راحت آن بسیاری از مؤلفه‌هایی که در گام دوم کشف شده‌اند و در نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی اطلس‌تی (ATLAS.ti) در یک شبکه به هم پیوسته در کنار هم قرار دارند، به صورت موقت حذف شده‌اند.

مرحله دوم (و گام چهارم): صورت‌بندی یا طراحی و ساخت مدل
پس از آنکه مفاهیم و سازه‌ها استخراج و نقش احتمالی آن‌ها در شبکه ارتباطی میان آن‌ها مشخص

شد، اکنون به صورت‌بندی و شکل‌بندی (شکل‌دادن)^۱ مدل پرداخته می‌شود. براساس تحلیل‌ها و تبیین‌های انجام‌گرفته بر روی متون اسلامی، که اکنون به انگاره‌ای درباره مسئله انجامیده است، و با توجه به نتایج پژوهش‌های موجود در پیشینه موضوع و مسئله، نحوه روابط تعاملی و علی میان سازه‌ها در یک مدل نظام‌مند فرمول‌بندی^۲ و شکل‌بندی می‌شود. صورت‌بندی و ساخت‌یابی مدل باید نمایانگر مسئله و بازنمایی‌کننده نظام واقعی ارتباط و تعامل سازه‌ها باشد. بدین منظور انجام موارد زیر لازم است:

- انتخاب بهترین، مناسب‌ترین و منطبق‌ترین سازه‌ها با واقعیت؛
- انتخاب مناسب‌ترین مدل از بین انواع مختلف مدل‌های سازه‌ای، ساختاری و عاملی با توجه به مقتضای مسئله پژوهش و داده‌های اکتشافی و اجتهادی؛
- تفکیک و دسته‌بندی کامل سازه‌ها با توجه به نقش آن‌ها در مدل؛ سازه‌های برون‌داد (مستقل)، درون‌داد (وابسته)، تعدیل‌کننده، میانجی، نشانگرها؛
- تعیین ارتباط متقابل و روابط تابعی و علی میان سازه‌ها با توجه به نقش آن‌ها به تفکیک در مدل؛
- ترسیم نمودارها میان سازه‌ها و نشانگرها با مشخص کردن جهت‌ها و اثرهای مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها؛
- بررسی و بازیابی داده‌های ضروری برای تدقیق روابط و مشخص کردن سازه‌های پنهان و آشکار و همچنین زیرشاخه‌های احتمالی آن‌ها؛
- بررسی کیفی روابط و جهت‌های علی در مدل اولیه و ساده‌سازی منطقی ساختار آن؛
- ترسیم نمودار ساختاری مدل با تمام جزئیات در ساختار اصلی و شاخه‌های فرعی.



نمودار ۴. مدل علی نمونه مثال خشم با اثر مستقیم و غیرمستقیم کهرتري

1. formation
2. formulation

نمودار ۴ یک مدل علی از نمونه مثالی است که پیش از این به همراه برخی از مستندات حدیثی درباره خشم ذکر شده بود. در این نمونه مثال احساس کهنتری و فرومایگی با واسطه (نقش میانجی) حسادت و ورزی و کینه‌توزی سبب خشم افراد می‌شود.

مرحله سوم (و گام پنجم): اعتبارسنجی مدل

در این مرحله باید به دنبال سنجش اعتبار مفهوم‌پردازی و ساخت‌یابی مدل مفهومی بود که آیا فهم متون اسلامی و استخراج مفاهیم و سازه‌ها از آن و سپس صورت‌بندی آن‌ها به شکل یک مدل، اعتبار لازم را دارد؟ اعتبار مدل برآمده از متون اسلامی، از یک‌سو در گرو سنجش اعتبار فهم علمی از متون اسلامی (قرآن و حدیث) و دقت در مفهوم‌پردازی‌هاست و از سوی دیگر، مبتنی بر اعتبارسنجی ترسیم درست ارتباطات سیستمی و ساختاری میان سازه‌ها و مصون ماندن از خطاهای صورت‌بندی و ساخت‌یابی مدل است.

سطح دستیابی به حقایق علمی و میزان اعتبار فهم و برداشت‌ها را درجه دقت و مراقبت پژوهشگر در به‌کارگیری دقیق اصول و فنون مختلف و فهم درست و بی‌واسطه از متون اسلامی تعیین می‌کند؛ فهمی درست و بی‌شائبه است که به‌دور از تأثیرات بیرونی و تحمیل نگرش‌ها و پیش‌فرض‌های برون‌متنی و نظریه‌ها و نتایج علمی از متن استخراج شده باشد. با لحاظ «معیارهای اعتبارسنجی فهم صحیح از متون اسلامی»^۱ باید میزان فهم صحیح و روشمند از متون اسلامی مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد. به موجب آن، معانی و مفاهیم استخراج‌شده نباید از مدلول ظاهر متن بیگانه باشد و باید با قواعد زبان‌شناختی مربوط به مفردات و ترکیب کلمات منطبق باشد. فهم معانی زمانی اعتبار خواهد داشت که منطبق با قواعد فهم مقصود متن و براساس قرائن و شواهد کافی به حقایق علمی دست یافت. انسجام و سازوکاری درونی متون و عدم تعارض با مبانی اسلامی معیار اعتبارسنجی دیگر است که براساس آن یافته‌های تفهیمی نباید با مفاد ظاهری آیات قرآن یا سنت قطعی، متناقض و متباین باشد؛ همچنین، برداشت‌ها به‌خودی‌خود، معنای درستی باشد و مُحال عقلی یا معنای غیرمنطقی را در پی نیاورد. معیار آخر این است که فهم متن باید با واقعیت‌های انسانی در زندگی منطبق و همسو باشد و با یافته‌های قطعی علوم تعارض نداشته باشد (معرفت، ۱۳۷۷، ج ۲: ص ۵۲۷؛ حیدری‌فر، ۱۳۹۱: ص ۱۷۲؛ سعیدی‌روشن، ۱۳۸۳: صص ۴۲۸-۴۲۳).

اعتبار هر مدلی بر واقعی بودن یا به‌عبارت دیگر، منطبق بودن مدل با حقیقت و بازنمایی‌کننده

۱. بدین منظور به مقاله نگارنده (۱۳۹۶) در چهارمین کنگره علوم انسانی اسلامی با عنوان «اصول و معیارهای اعتبارشناختی فهم علمی از متون اسلامی در علوم انسانی» مراجعه کنید.

درست آن است که از آن به روایی^۱ درونی نیز یاد می‌کنند. واقعی بودن مدل بر این امر مبتنی است که خطاهای مدل‌یابی صورت نگیرد و یا کمترین خطا روی دهد. بزرگ‌ترین خطا هم همانا حذف یک یا چند مفهوم یا سازه کلیدی است. به این مسئله، خطای تعیین^۲ می‌گویند. ترسیم رابطه نامناسب میان سازه‌ها نیز خطای دیگر در بسط و صورت‌بندی مدل است (خنیف و بردبار، ۱۳۹۳: ص ۱۸۵). اعتباریابی مدل را می‌توان با بررسی «اعتبار و پایایی»^۳ آن کامل کرد. یعنی به‌دست آوریم که فهم دیگران چه اندازه به فهم ما نزدیک بوده است و یافته‌ها ثبات لازم را دارد. برای این منظور، می‌توانیم بسنجیم که فهم ما چه اندازه مورد تأیید خبرگان است. البته نظریه‌پردازان و محققان حوزه تحقیق کیفی برای اعتبارسنجی این‌گونه پژوهش‌ها، شیوه‌ها و موارد گوناگونی را مطرح می‌کنند. برای نمونه لینکلن و گوبا^۴ (۱۹۸۵: صص ۲۹۸-۲۹۰) در بررسی قابلیت اعتماد^۵ مطالعات کیفی مفاهیمی مانند معتبر بودن،^۶ قابلیت انتقال،^۷ اصالت یا صحت^۸ و قابلیت تصدیق^۹ را ارائه کرده‌اند. برای مثال، براساس ویژگی «معتبر بودن»، پژوهشگر با توصیف روند پژوهش و استنتاج و تشریح کامل و مشخص پیچیدگی‌های سازه‌ها و ارتباط متقابل آن‌ها می‌تواند اثبات کند که تحقیق به‌صورت دقیق مشخص است.

مرحله چهارم (و گام ششم): تبیین و تفسیر نتایج مدل‌یابی

تبیین مدل، بیان «چرایی»های روی دادن پدیده در یک سیستم به‌هم‌پیچیده و منسجم و تشریح چگونگی ارتباط میان سازه‌هاست که به پدیدآیی آن می‌انجامد. باید به تفصیل و با استناد نظری به متون اسلامی و شواهد روان‌شناختی و نتایج پژوهش‌های دیگر، تبیین و تفسیر کنیم که چگونه سازه‌های مختلف در مدل، دست‌به‌دست هم می‌دهند و در یکدیگر اثر می‌گذارند تا یک پدیده روان‌شناختی به‌وجود می‌آید، یا تغییر می‌یابد و یا تشدید می‌شود. همچنین، باید چرایی دیگری را هم روشن کنیم که

1. validity
2. specification error
3. reliability
4. Lincoln and Guba
5. trustworthiness
6. credibility
7. transferability
8. authenticity
9. confirmability

اساساً چرا این مدل، با این شکل و با این سازوکارهای ارتباطی و چرا مدل و با شکل دیگر نه؟ به عبارت دیگر، چرا این مفاهیم و سازه‌ها بدین شکل کنار هم قرار گرفتند و بدین گونه با هم ارتباط برقرار کردند؟ آیا نمودارها، شاخه‌ها و جهت‌های علی آنها نمی‌توانستند به گونه‌ای دیگر قرار گیرند؟

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بنیان و توسعه روش پژوهش در حوزه علوم انسانی اسلامی و با تأکید بر روان‌شناسی اسلامی انجام شد. اساساً هدف این بود که با توجه به ظرفیت‌های نهفته در روش‌های اجتهادی، که به‌طور کلی در بردارنده اصول فهم و اندیشه دینی و اصول صحیح دریافت از متون و روش‌های تبیین و تفسیر است و به‌طور سنتی در اصول فقه و استنباط، علوم تفسیر و حدیث و غیره به‌کار گرفته می‌شود، با ایجاد تحول در آن و توسعه آن متناسب با مقتضیات علوم انسانی و روان‌شناختی، به‌ویژه در تحلیل مسائل پیچیده رفتار انسانی و پدیده‌های روانی، روشی ساخت‌یافته و نظام‌مند با تکنیک‌های کارآمد در حوزه روان‌شناسی اسلامی برای تحلیل و تبیین روابط علی میان مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی از متون دینی و دستیابی به ساختار سیستمی مدل حاکم بر رفتار و پدیده‌های انسانی ارائه شود.

در این پژوهش، با طراحی روش‌های ساخت‌یافته و نظام‌مند، با اتکا به شیوه‌های اجتهادی و فهم متن و حاکم کردن نگرش سیستمی و ساختاری، توانستیم از طریق منابع و حیانی اسلامی در تحلیل مسائل پیچیده علوم انسانی و تبیین حقایق روان‌شناختی به‌صورت مؤثر عمل کنیم. با این روش که انواع و مراحل مختلف تأثیر و تأثر پدیده‌ها در یکدیگر را به‌صورت یک مجموعه سازواره‌ای با روابطی در میان شبکه‌ای منسجم از مفاهیم ارائه می‌دهد، می‌توان مجموعه مؤلفه‌ها و عناصر دخیل در پدیده‌ها را به‌صورت جامع‌نگر در یک منظومه مرتبط با یکدیگر مدنظر قرار داد و در برداشت تفسیری و تبیینی از متون حلقه‌های مفقود را استخراج کرد.

یافته‌های پژوهش نیز در عمل به این نتیجه انجامید که با توسعه روش‌های رایج اجتهادی و تفهیمی که در آن دلالت‌های متن یا روابط معناساختی (سمانتیکی) و قوانین مقبول هرمنوتیکی و تفسیری مدنظر است و به‌گونه‌ای که تفکر سیستمی و سازواره‌ای و منطق روش‌شناختی پژوهش‌های پیچیده و مدلیابی بر آن حاکم باشد، می‌توان در تحلیل نظری مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی موفق عمل کرد و در تولید علم روان‌شناسی اسلامی گام برداشت. لازمه این کار دستیابی به روشی یکپارچه و نظام‌یافته، با فرایندهای ساخت‌یافته و مراحل تکنیکی و کاربردی مبتنی بر بنیان‌های روش‌شناختی علوم انسانی اسلامی بود که از روش‌های درون‌دینی و برون‌دینی به تناسب بهره

گیرد. تعامل این نوع روش‌شناسی با روش‌شناسی‌های علمی ضامن کارآمدی و کارایی‌های دانش برآمده از آن برای باورمندان روش‌های تجربی است؛ از این جهت که این روش با برخورداری از استانداردهای یک تحلیل مفهومی و مدل‌یابی نظری می‌تواند خود را تا مرحله‌آزمون مدل تجری با روش‌های آماری پیش ببرد.

برای دستیابی به روشی یکپارچه و نظام‌مند و دارای مراحل و تکنیک‌های روشن، در تحلیل نظام ساختاری و مدل‌یابی ارتباط چندگانه و تاحدامکان علی میان مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی، براساس فهم و استنباط از متون قرآنی و حدیثی، باید پیش‌زمینه‌ها و ملزومات خاصی در نظر گرفته می‌شد. در ابتدا دغدغه اساسی، بنیان‌نهادن آن بر پایه‌های مباحث مبنایی روش‌شناختی بود؛ یعنی دستیابی به روشی که براساس مبنای نظری و پارادایمی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی استوار و راهبردهای آن با پشتیبانی اصول معتبر روش‌شناختی نظام‌مند باشد.^۱ دوم اینکه روش فهم تخصصی روان‌شناختی از متون قرآنی و حدیثی در حوزه پژوهش تک‌گزاره‌ای، تنقیح، توسعه و بازسازی و در راستای فرایند روش دستیابی به مدل، به‌صورت متناسب قرار گیرد. در مرحله سوم، پس از طراحی فرایند مدل‌یابی اسلامی-روان‌شناختی، میزان کارایی و عملیاتی بودن آن در بستر یک نمونه کامل پژوهشی مورد ارزیابی قرار گیرد. همه این موارد در راستای تحقق اهداف پژوهش به‌صورت موفق انجام گرفت.

در این روش، مدل‌یابی در چهار مرحله و شش گام انجام گرفت. در فرایند روش مدل‌یابی اسلامی-روان‌شناختی، گام‌های شش‌گانه با مراحل چهارگانه آن به‌صورت درهم‌تنیده و پیوسته بود. مرحله اول (مفهوم‌پردازی) شامل سه گام (مسئله‌شناسی و فرضیه‌پردازی، فهم پژوهشی و استخراج مفاهیم از متون اسلامی، و بسط مفهومی مدل) بود و مراحل بعدی تنها یک گام را در خود جای می‌داد. گام چهارم طراحی و ساخت مدل مفهومی بود که در مرحله دوم (صورت‌بندی مدل)، و اعتباریابی و تبیین نتایج مدل‌یابی در دو مرحله تکمیلی بعدی (مرحله سوم: اعتبارسنجی مدل و مرحله چهارم: تبیین و تفسیر مدل) انجام شد.

۱. پایه‌های نظری و پارادایمی در رساله دکتری نویسنده «روش مدل‌یابی مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی از متون اسلامی (قرآن و حدیث)» در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة‌الله علیه) به‌صورت مفصل آمده است.



نمودار ۵. مراحل و گام‌های روش مدلیابی اسلامی-روان‌شناختی

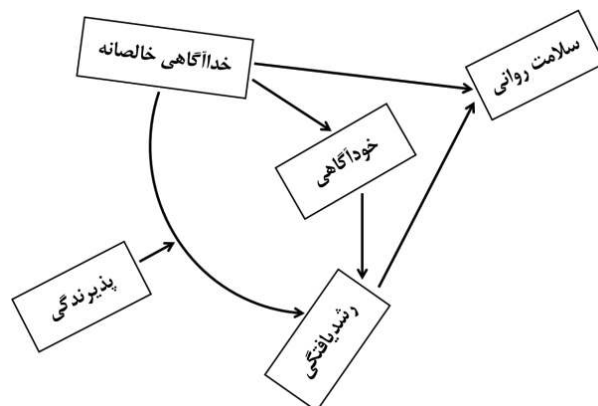
نقطه ثقل روش مدلیابی اسلامی-روان‌شناختی را گام دوم (فهم‌پژوهی) تشکیل می‌دهد؛ چراکه اساساً مدل مفهومی نظری و مبتنی بر تئوری است و شالوده نظری آن در این گام سرشته می‌شود. در این گام، در یک فرایند متن‌پژوهی (تحلیل و فهم متن)، مفاهیم از متون و حیانی اسلامی (قرآن و حدیث) استخراج می‌شود. براساس یافته‌های این گام و با اکتشاف نظرگاهی اسلامی است که بسط مفهومی مدل در گام سوم می‌تواند تحقق یابد و اطلاعات برای تکمیل فرایند مدلیابی به مرحله بعد منتقل و مدل موردنظر شکل گیرد؛ چراکه اساساً ایجاد یک مدل مستلزم تعیین روابط متقابل، مسیرها و جهت‌های علی میان سازه‌های معین‌شده در این مرحله و با توجه به پشتیبانی کافی اطلاعات گردآوری و پردازش شده و یافته‌های برآمده از پژوهش اکتشافی و اجتهادی از متون اسلامی است.

در واقع، فرایند مدلیابی مفهومی به‌گونه‌ای است که ابتدا در یک مرحله مهم - به‌ویژه در رویکردی که بناسست مفاهیم از متون اسلامی استخراج شوند - یعنی «مرحله مفهوم‌پردازی»، پایه‌گذاری می‌شود. در مفهوم‌پردازی دو هدف عمده دنبال می‌شود: ۱. یافتن درکی از فرایند شکل‌گیری مفاهیم یا انگاره‌ها و ۲. روشن ساختن آن مفاهیم در نظام ارتباطی و ساختاری که با مفاهیم و سازه‌های دیگر دارند و رسیدن به انگاره‌های تبیینی پدیده‌های روان‌شناختی که در اینجا درنهایت به شکل مدل بسط و تحول می‌یابد (واندن‌باس، ۲۰۱۳: ص ۱۲۹). این مهم با به‌کارگیری فرایند «متن‌پژوهی» بر روی متون قرآنی و حدیثی که در جدول‌های مخصوص خانواده متون اسلامی گردآوری و سازمان‌دهی می‌شوند تحقق می‌یابد. پس از کاوش محتوایی در متون

اسلامی، حال انگاره‌های مفهوم‌پردازی اسلامی-روان‌شناختی آماده یک مرحله عالی‌تر در تبیین چگونگی پدیدآیی و عوامل به‌وجودآورنده مسائل پیچیده روان‌شناختی است. اکنون می‌توان با بسط عوامل مختلفی که پیش از این به‌صورت تک‌گزاره‌ای و تک‌رابطه‌ای و یا روابط ناکامل دیده می‌شدند، مجموعه یکپارچه‌ای از مفاهیم و سازه‌های گوناگون را به‌صورت سیستمی به‌هم مرتبط، در کنار هم و در ارتباط با هم در نظر گرفت و در مرحله بعد در یک مدل نظام‌مند به‌صورت بندی و سپس اعتبارسنجی و تبیین و تفسیر آن پرداخت.

پاسخ به این پرسش که «روش مدل‌یابی اسلامی-روان‌شناختی» چه اندازه واقعی است و قابلیت اجرا و کارایی دارد این است که «ادل دلیل علی امکان شیء وقوعه»، یعنی بهترین دلیل برای امکان چیزی، واقع شدن آن است. این امر یکی از فلسفه‌های اجرای کامل این روش در نمونه‌ای واقعی بود. یعنی وجود خارجی هر چیزی، همان‌گونه که باید باشد، بهترین دلیل بر واقعی بودن آن است که در این پژوهش با انجام همه مراحل روش مدل‌یابی اسلامی-روان‌شناختی و تکنیک‌های آن روی نمونه مثال خداآگاهی بدان دست یافتیم. به‌هر حال کارایی هر روش و تکنیکی در گرو عملیاتی و قابل اجرا بودن آن است. وقتی سلسله مراحل و گام‌های این روش به دقت انجام می‌گرفت و به نتایج مناسب و مطلوب می‌رسید، واقعی و عملی بودن آن نیز به‌خودی‌خود اثبات می‌شد.

از نقاط قوت پژوهش حاضر این است که اجرای روش مدل‌یابی اسلامی-روان‌شناختی در این نمونه در عالی‌ترین سطح مدل‌یابی‌های پیچیده علی انجام گرفت. از این جهت که در آن از تمامی انواع سازه‌ها (در نقش‌های پایه و اثرگذار، پیرو و اثرپذیر، میانجی یا واسطه‌ای و تعدیل‌کننده) حضور داشتند و از آن با «مدل میانجی تعدیل‌شده»^۱ یاد می‌شود. در این نمونه با استفاده از متون قرآنی و حدیثی و با هدف کاوش سازوکار و مکانیسم اثر «ذکر» برآمده از ایمان در «اطمینان قلب» (رعد: ۲۸)، مسیر علی «خداآگاهی خالصانه» تا «سلامت روانی» با میانجی‌گری «خودآگاهی» و «رشدیافتگی» و با نقش تعدیل‌کنندگی «پذیرندگی» مورد تحلیل و تبیین قرار گرفت.



نمودار ۶. نمونه مدل کامل میانجی تعدیل شده خداآگاهی

فرایند پژوهش با کدگذاری در حوزه‌های مفهومی چهارگانه و خانواده متون اسلامی هریک از آن‌ها به وسیله یکی از نرم‌افزارهای کارآمد تحلیل کیفی یعنی اطلس تی (ATLAS.ti) با ابزارهای گوناگون و دقیق گرافیکی و شبکه‌ای که در آن است، عملیاتی شد که بر دقت نتایج پژوهش می‌افزود و دریچه‌های جدیدی را بر تکنیک‌های روشی ما، به ویژه در توان‌افزایی بسط‌های گوناگون مدل و صورت‌بندی و ساخت‌یابی مدل مفهومی حتی در حد مدل‌های کامل‌تر ساختاری می‌گشود. علاوه بر اعتبارسنجی نتایج پژوهش در هر دو سنخ سنجش اعتبار فهم مدل خداآگاهی و سنجش اعتبار ساختار آن، گزارش دقیق عملیات پژوهش و چگونگی فرایند مدل‌یابی به صورت مرحله به مرحله و گام به گام، و همچنین ارائه شواهد لازم بر صحت یافته‌های آن با بهره‌مندی از مستندات اسلامی و پژوهش‌های روان‌شناختی بر قابلیت اعتماد و اعتبار نتایج افزود. به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشان داد:

۱. روش مدل‌یابی اسلامی-روان‌شناختی قابلیت لازم برای انجام پژوهش‌های پیچیده از متون اسلامی را دارد.
۲. این روش و در ضمن آن روش فهم روان‌شناختی متون اسلامی می‌تواند پژوهش‌ها در حوزه روان‌شناسی اسلامی را نظام‌مند و یافته‌های پژوهشی را نتیجه‌بخش کند.
۳. روش کنونی اعتبار یافته‌ها را افزایش داده و قابلیت داوری این‌گونه پژوهش‌ها را ایجاد می‌کند.
۴. دستیابی به یافته‌های معتبر از طریق این روش، گامی به سوی زمینه‌سازی برای نظریه‌پردازی در علوم انسانی اسلامی و ایجاد تحول در آن خواهد بود.

۵. همچنین، با توجه به کاربردپذیری و عملیاتی‌بودن مراحل نظام‌مند روش مدل‌یابی اسلامی-روان‌شناختی، می‌توان این روش و در ضمن آن روش فهم تخصصی متون اسلامی را در نظام آموزشی دانش‌پژوهان و دانشجویان روان‌شناسی، به‌ویژه با رویکرد اسلامی، به‌کار گرفت.

۶. ملاک‌های اعتبارشناسی یافت‌شده در این پژوهش نیز می‌تواند معیاری برای اعتبارسنجی پژوهش‌های اسلامی در حوزه علوم انسانی قرار گیرد.

۷. همچنین، روش‌شناسی انجام‌شده در این پژوهش و روش به‌دست‌آمده در آن می‌تواند در سایر رشته‌های علوم انسانی متناسب‌سازی و استفاده شود.



کتابنامه

۱. نهج البلاغه. ۱۴۱۴ق. گردآوری محمدبن حسین شریف الرضی. تصحیح صبحی صالح. قم: هجرت.
۲. ابوالمعالی الحسینی، خدیجه. ۱۳۹۲. «تحلیل کیفی متن: استقرا/ قیاس». دوفصلنامه مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی. سال اول. شماره ۱. صص ۱۰۲-۸۳.
۳. اعرافی، علیرضا. ۱۳۷۹. «روش شناسی استنباط آموزه‌های تربیتی در آینه سیره و کلام امام علی (ع)». فصلنامه پژوهش‌های تربیت اسلامی. شماره ۴. صص ۲۶-۱۵.
۴. _____ ۱۳۸۵. «بهره‌گیری از روش شناسی تحول‌یافته اجتهادی، لازمه تولید علم دینی». روش شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه). سال دوازدهم. شماره ۴۹. صص ۴-۸.
۵. اکبری، مرتضی؛ غفوریان، فاطمه‌سادات. ۱۳۹۴. تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از نرم‌افزار Atlas.ti. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. امام خمینی، سید روح‌الله. ۱۴۱۵ق. مناهج الوصول الی علم الأصول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. ایزوتسو، توشی‌هیکو. ۱۳۶۱. خدا و انسان در قرآن. ترجمه احمد آرام. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. _____ ۱۳۷۸. مفاهیم دینی-اخلاقی در قرآن مجید. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: فرزنان.
۹. ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا. ۱۳۹۰. «تحلیل محتوای کیفی». پژوهش. سال سوم. شماره ۲ (پیاپی ۶).
۱۰. ایمان، محمدتقی. ۱۳۹۲. «نمی‌توانیم تکثرگرایی روشی را بپذیریم». گفتمان الگو؛ دوماهنامه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. شماره ۱.
۱۱. بابایی، علی‌اکبر؛ عزیزی‌کیا، غلامعلی؛ روحانی راد، مجتبی. ۱۳۸۸. روش‌شناسی تفسیر قرآن. زیر نظر محمود رجبی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سمت.
۱۲. باربور، ایان. ۱۳۶۲. علم و دین. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۳. بستان، حسین. ۱۳۹۰. گامی به سوی علم دینی؛ ساختار علم تجربی و امکان علم دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. پسندیده، عباس. ۱۳۸۶. «درآمدی بر روش فهم معارف روان‌شناختی از احادیث». علوم حدیث. سال دوازدهم. شماره ۳ و ۴. پیاپی ۴۵ و ۴۶. صص ۱۰۹-۸۸.

۱۵. _____ ۱۳۸۸. اخلاق پژوهی حدیثی. تهران: سمت و دانشکده علوم حدیث.
۱۶. _____ ۱۳۹۶. «روش فهم روان‌شناختی متون دینی (فرمد)؛ بررسی تک‌متن». پژوهشنامه روان‌شناسی اسلامی. سال سوم. شماره ۶. صص ۶۷-۹۱.
۱۷. حسینی، سید حمیدرضا؛ علی‌پور، مهدی. ۱۳۸۷. «اجتهاد به مثابه فرایند کشف و تولید علوم انسانی اسلامی». مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی ۱۳۸۵. به اهتمام: مظفر نامدار. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۸. حسینی، محمدرضا. ۱۴۰۰ق. کیف نفهم القرآن. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۹. حیدری، سید علی نقی. ۱۳۸۳. اصول استنباط. ترجمه محسن غرویان و علی شیروانی. قم: دارالفکر.
۲۰. حیدری‌فر، مجید. ۱۳۹۱. مهندسی فهم و تفسیر قرآن؛ پژوهشی نو در روش‌شناسی تفسیر ترتیبی و موضوعی قرآن کریم. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۲۱. خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۹۴. در جست‌وجوی علوم انسانی اسلامی؛ تحلیل نظریه‌های علم دینی و آزمون الگوی حکمی-اجتهادی در تولید علوم انسانی اسلامی. قم: دفتر نشر معارف.
۲۲. خنیفر، حسین؛ بردبار، حامد. ۱۳۹۳. درآمدی بر مدل‌سازی در علوم رفتاری. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۳. خوبی، ابوالقاسم. ۱۳۶۶. البیان فی تفسیر القرآن. تهران: کعبه، بیروت: دارالزهراء.
۲۴. رجبی، محمود. ۱۳۸۳. روش تفسیر قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۵. رضوی، سید عباس. ۱۳۷۶. «تاریخ در نگاه شهید صدر». مجله حوزه. شماره ۷۹ و ۸۰.
۲۶. رفیع‌پور، فرامرز. ۱۳۹۰. تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۷. ساروخانی، باقر. ۱۳۸۹. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۸. ساشادینا، عبدالعزیز. ۱۳۹۳. روش‌شناسی مطالعات اسلامی در غرب؛ گفتارهایی از عبدالعزیز ساشادینا. تدوین و نگارش یاسر عسگری و رسول نورزی فیروز. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۹. ساعی، علی. ۱۳۸۷. روش تحقیق در علوم اجتماعی؛ با رهیافت عقلانیت انتقادی. تهران: سمت.

۳۰. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. ۱۳۹۱. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگه.
۳۱. السعدی، عبدالرحمن. ۱۴۲۱ق. القواعد الحسان فی تفسیر القرآن. قاهره: دار ابن الجوزی.
۳۲. سعیدی روشن، محمداقبر. ۱۳۸۳. تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۳. شارع‌پور، محمود. ۱۳۸۰. «مدل‌سازی معادله ساختاری (SEM)؛ آشنایی با کاربردهای برنامه لیزرل (LISREL) در تحقیقات علوم اجتماعی». فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۱۳ و ۱۴. صص ۲۳۱-۲۰۵.
۳۴. شریعتی، غلام‌محمد؛ سعیدی روشن، محمداقبر. ۱۳۹۳. «رابطه معنانشناسی زبانی و تفسیر قرآن به قرآن با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی». قرآن‌شناخت. سال هفتم. شماره ۲ (پیاپی ۱۴). صص ۲۴-۵.
۳۵. شریعتی، غلام‌محمد. ۱۳۹۴. «نقش معنانشناسی زبانی در تفسیر قرآن؛ با تأکید بر ساختگرایی و نظریه ایزوتسو». رساله دکتری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۶. شوماخر، رندال؛ لومکس، ریچارد. ۱۳۸۸. مقدمه‌ای بر مدل‌سازی معادله ساختاری. ترجمه وحید قاسمی. تهران: جامعه‌شناسان.
۳۷. الصدر، سید محمداقبر. ۱۴۰۰ق. «تلخیص کتاب مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن». المنطلق. شماره ۱۰. صص ۷۲-۶۲.
۳۸. _____ ۱۴۳۲ق. دروس فی علم الأصور. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۳۹. عانی، نزار. ۱۳۸۵. کتاب‌شناسی توصیفی تحلیلی اسلام و روان‌شناسی. ترجمه، نقد و اضافات بهروز رفیعی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۰. علی‌پور، مهدی؛ حسنی، سید حمیدرضا. ۱۳۹۰. پارادایم اجتهادی دانش دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۱. علیدوست، ابوالقاسم. ۱۳۹۲. «گفتمان تولید الگو باید بر فقیهان حاکم شود». گفتمان الگو؛ دوماهنامه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. شماره ۱.
۴۲. العوادی، مشکور کاظم. ۱۴۲۴ق. البحث الدلالی فی تفسیر المیزان؛ دراسه فی تحلیل النص. بیروت: مؤسسه البلاغ.
۴۳. فرامرزی قراملکی، احد. ۱۳۸۸. روش‌شناسی مطالعات دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۴۴. کلینی، محمدبن یعقوب. ۱۳۶۵. الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۴۵. کیوی، رمون؛ کامپنهود، لوک وان. ۱۳۷۹. روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر. تهران: توتیا.
۴۶. گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس. ۱۳۸۹. روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. ترجمه احمدرضا نصر، حمیدرضا عریضی، زهره خسروی، علیرضا کیامنش، منیجه شهنی بیلاق، خسرو باقری، محمد خیر، محمدجعفر پاک‌سرشت و محمود ابوالقاسمی. تهران: سمت و دانشگاه شهید بهشتی.
۴۷. گلشنی، مهدی. ۱۳۹۰. تحلیلی از دیدگاه‌های فلسفی فیزیکدانان معاصر. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴۸. لسانی فشارکی، محمدعلی. ۱۳۹۳. درس‌نامه روش تحقیق موضوعی قرآن کریم. قم: فلاح.
۴۹. مدوز، دنلا اچ. ۱۳۹۲. تفکر سیستمی. ترجمه عادل آذر و حامد فلاحتکار. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۵۰. مسعودی، عبدالهادی. ۱۳۸۲. «بهره‌گیری از حدیث در روان‌شناسی؛ زمینه‌ها و موانع». علوم حدیث. شماره ۲۹. صص ۲۳-۴۳.
۵۱. _____ ۱۳۸۷. روش فهم حدیث. تهران: سمت و دانشکده علوم حدیث.
۵۲. مصباح یزدی، محمدتقی؛ عابدینی، جواد. ۱۳۸۸. «نواندیشی دینی و روش‌شناسی آن». عیار پژوهش در علوم انسانی. سال اول. شماره ۲. صص ۷-۳۷.
۵۳. مظفر، محمدرضا. ۱۳۶۸. اصول الفقه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۴. معرفت، محمدهادی. ۱۳۷۷. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۵۵. ملانی توانی، علیرضا. ۱۳۹۰. درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ. تهران: نشر نی.
۵۶. میرز، لاورنس اس؛ گامست، گلن؛ گارینو، ا. جی. ۱۳۹۱. پژوهش چند متغیری کاربردی (طرح و تفسیر). ترجمه حسن‌پاشا شریفی، حمیدرضا حسن‌آبادی، ولی‌الله فرزاد، سیمین‌دخت رضاخانی، بلال ایزانلو و مجتبی حبیبی. تهران: رشد.
۵۷. نورعلیزاده میانجی، مسعود. ۱۳۹۶. «اصول و معیارهای اعتبارشناختی فهم علمی از متون اسلامی در علوم انسانی». فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی. چهارمین کنگره علوم انسانی اسلامی. سال سوم. پیاپی ۹. شماره ۴.

۵۸. _____ .۱۳۹۷. «روش مدلیابی مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی از متون اسلامی (قرآن و حدیث)» رساله دکتری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله علیه).

۵۹. هومن، حیدرعلی. ۱۳۸۵. راهنمای عملی پژوهش کیفی. تهران: سمت.

۶۰. _____ .۱۳۹۰. شناخت روش علمی در علوم رفتاری. تهران: سمت.

۶۱. _____ .۱۳۹۱. مدلیابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل. تهران: سمت.

62. Blalock, H. M. 1961. "Correlation and Causality: The Multivariate Case". Social Forces. Vol. 39. No. 3. pp. 246-251.

63. Creswell, J.W. 2007. **Qualitative Inquiry and Researches Design, Choosing Among Five Approaches**. London: Sage.

64. Gadamer, Hans-George. 1994. **Truth and Method**. Translation by Joel Weinsheimer and Donald G. Marshall. New York: The Continuum Company.

65. Hoyle, Rick H. 2012. **Handbook of Structural Equation Modeling**. New York & London: The Guilford Press.

66. Kline, Rex B. 2005. **Principles and Practice of Structural Equation Modeling**. New York & London: The Guilford Press.

67. Lincoln, Y. and Guba E. 1985. **Naturalistic Inquiry**. Beverley Hills, CA: Sag.

68. Marshall, Catherine and Rossman, Gretchen B. 2006. **Designing Qualitative Research**. London: SAGA.

69. Moser, Claus A. and Kalton, Graham. 2016. **Survey Methods in Social Investigation**. London & New York: Routledge.

70. VandenBos, Gary R. 2013. **APA dictionary of clinical psychology**. Washington, American Psychological Association.

71. Walliman, Nicholas. 2006. **Social Research Methods**. London: SAGA.

72. _____ . 2011. **Research Methods: The Basics**. London & New York: Routledge.